

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

فرستنده: سیامک بهاری

۰۱ اگست ۲۰۱۴

سه نکته . . .

مصاحبه نشریه کودکان مقدمند با سیامک بهاری

پرسش اول؛ پرداخت شهریه برای خانواده ها به یک معضل بزرگ بدل شده است. با این معضل چگونه باید برخورد کرد، چه راه حلی مقابل خانواده ها می گذارید؟

سیامک بهاری: سلام به شما و خوانندگان نشریه. موضوع پرداخت شهریه هر ساله گریبان خانواده ها را می گیرد. هر سال هم مانند همه چیز دیگر قیمتش گرانتر و گرانتر می شود.

علی رغم همه دروغپردازیهای رایج حکومت در باره این که پرداخت شهریه ممنوع و جرم است و غیره، این بار خود آموزش و پرورش، با وقاحت تمام، رسماً قیمت‌های گزاف شهریه را در نواحی مختلف اعلام کرد. از انواع متفاوت مدارس دولتی خاص تا آنچه که به غلط مدارس غیرانتفاعی گفته می شود.

یک رکن پایه‌ی و سیستماتیک وزارت آموزش و پرورش این است که هزینه آموزش را از دوش دولت بردارد و با خصوصی سازی و تبدیل مدارس دولتی عادی به مدارس خاص، به دوش خانواده ها بیندازد. این سیاست هر روز عیانتر و به نوعی به روند عادی سیستم آموزشی بدل می شود. در واقع نهادینه کردن تبعیض در دسترسی به استانداردهای متفاوت آموزشی، یک هدف ستراتیژیک آموزش و پرورش است.

در اینجا روند کمرشکن افزایش قیمت شهریه به دست بازار آزاد تعیین می شود. مؤسسات آموزشی، به مؤسسات مالی برای کسب سود بدل می شود. در مدارس به اصطلاح عادی، سرکیسه کردن و اخاذی از مردم به اشکال مختلف مانند همیاری مردمی و غیره همان سیاست بازار آموزش را دنبال می کند.

همسوی با این اجحاف، نپرداختن سرانه دانش آموزی به مدارس، خود مزید بر علت می شود. مدیران مدارس رأساً برای تأمین مخارج مدرسه به خانواده ها فشار می آورند. سرانه دانش آموزی در بهترین حالت ۲۸ هزار تومان در سال است که بنا به گفته وزارت آموزش و پرورش تا کنون هم پرداخت نشده است. این مبلغ ناچیز را به دالر حساب کنید، می شود حدود هشت یا نه دالر در سال. حالا همین را با سرانه دانش آموزی در المان که بیش از پنجاه هزار یورو و در ژاپن که تقریباً دو برابر المان است مقایسه کنید. حساب کار دستان می آید.

اعتراضات خانواده ها در برابر این اجحاف کاملاً به حق است. نتیجه اعمال این تبعیض سازمان یافته دولتی، در کنار فلاکت اقتصادی جامعه، رکود تورمی افسارگسیخته، بیکاری و فقر رو به ازدیاد خانواده ها، به بیرون پرتاب شدن میلیونها دانش آموز از چرخه تحصیلی است.

آموزش و پرورش مسئول مستقیم ترک تحصیل دانش آموزان و اجرای سیاست خصوصی سازی در آموزش و پرورش است.

اعتراض جمعی و تصمیم به نپرداختن شهریه را باید سازمان داد. دولت موظف است، هزینه آموزش را بپردازد. آموزش باید رایگان باشد. در نتیجه نپرداختن شهریه حق مسلم همه خانواده هاست. این را به اشکال مختلف از تجمع در مقابل ادارات آموزش و پرورش، مقابل مجلس و میتنگهای مختلف باید دنبال کرد. هرگونه اخاذی را باید وسیعاً علنی و افشاء کرد. تجمع های اعتراضی می تواند از محلات، مجتمع های مسکونی، و گسترش آن به مقابل مدارس و ادارات نواحی مختلف آموزشی شروع شود.

خواست فوری خانواده ها، خاتمه دادن به تبعیض و سازمان دادن نابرای تحصیلی توسط آموزش و پرورش است. تعیین شهریه، یعنی تعیین نرخ نابرابری، باید فوراً خاتمه یابد. همه مدراس باید دولتی و غیر سود ده باشند. آموزش رایگان به معنای این است که هیچ گونه هزینه ای برای ادامه تحصیل به عهده دانش آموز و خانواده اش نباشد. همه مخارج تحصیلی به عهده دولت باشد.

پرسش دوم: در باره وضعیت بهنام ابراهیم زاده است. کودکان مقدمند در این باره چه کرده و چه می کند؟

سیامک بهاری: وضعیت بهنام به عنوان یک فعال دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان، مستقیماً به ما مربوط است. هر فعال دفاع از حقوق کودکان این امر را به خود مربوط می داند. از زمان دستگیری او در خردادماه [جوزا] ۸۹ تا به حال ما خود را پیگیر وضعیت بحرانی او دانسته ایم. بیماری خطرناک نیما فرزند نوجوان بهنام هم بخشی از همین پروسه است.

اساساً دستگیری بهنام برای این است که جنبش دفاع از حق کودک را بزنند. اعتراض به بی حقوقی و فلاکت و بی پناهی کودکان در جمهوری اسلامی را با سرکوب پاسخ دهند. وگرنه بهنام و دهها فعال مدافع حقوق کودکان که برای خاتمه دادن به کار کودکان فعالیت می کنند. چه جرمی مرتکب شده اند؟! همه فعالیت اعتراضی بهنام معلوم و مشخص است. جمهوری اسلامی هر اقدام اعتراضی به وضعیت فلاکتبار میلیونها کودک بی پناه را تهدیدی علیه خود می بیند. حقیقت این است که جمهوری اسلامی از سایه خودش هم وحشت دارد.

معلوم است که رفتار فوق خشن در پنجشنبه سیاه، در بند ۳۵۰ و حمله وحشیانه مأموران امنیتی و مضروب کردن بهنام و دهها زندانی دیگر با اعتراض زندانیان مجروح، مواجه خواهد شد! بهنام را برای بازجویی و زیر فشار بیشتر قرار دادن به بند ۲۰۹ منتقل می کنند. خانواده اش را تحت فشار قرار می دهند. فرزند بیماراش که به سرطان خطرناکی مبتلاست را بازجویی می کنند.

همانطور که گفتم، ما از روز دستگیری بهنام در سال ۸۹ دفاع از او را شروع کردیم. دستگیری اش را در سطح بین المللی علنی کردیم. مراحل تعیین حکم و فشار بازجوها و دستگاه قضائی را افشاء کردیم. بهنام ظرف مدت کوتاهی به یک چهره شناخته شده بین المللی بدل شد. از وجدانهای بیدار و آگاه جهان، اتحادیه های بزرگ کارگری و صاحب نفوذ، نهادهای مدافع حقوق کارگران کمک خواستیم و پاسخ گرفتیم. بیماری نیما را هم در همین سطح

مطرح کردیم تلاش کردیم که رفتار خشن و بیرحمانه با او و خانواده اش توسط جمهوری اسلامی، مخفی نماند و نتیجه هم گرفتیم.

در ماه گذشته برای به جریان انداختن دفاع از بهنام، از طرف نهاد کودکان مقدمند، با آقای احمد شهید فرستاده ویژه سازمان ملل ملاقات کردم و شکایت نامه ای را که علیه جمهوری اسلامی تنظیم کرده بودیم با همه قرائن و شواهد موجود در پرونده برای بار چندم مطرح کردیم و خواهان دخالت مستقیم نهاد حقوق بشر سازمان ملل متحد شدیم. تصور نمی کنم نهادی باشد که ما پرونده بهنام را در آن مطرح نکرده باشیم.

دهها تجمع اعتراضی در مراکز شهرهای بزرگ اروپائی برگزار کرده ایم. پیگیرانه وضعیت بهنام و فرزندش نیما را مطرح کرده ایم و خواهان حمایت بین المللی از او و خانواده اش شده ایم. در همه فراخوانهای دفاع از زندانیان سیاسی و کارگران زندانی دفاع از بهنام ابراهیم زاده بخشی از فعالیت مستمر ما بوده و خواهد بود.

کارزار دفاع از کارگران زندانی در ۲۱ تیرماه [سرطان] با وسعت برگزار شد و نیز یازدهم مرداد ماه، روز حمایت بین المللی برای آزادی بهنام ابراهیم زاده، رضا شهابی و شاهرخ زمانی بخشی از کارهای پیش روی ماست. حمایت از کارگران زندانی بخش غیر قابل تفکیک از دفاع از حقوق کودکان است. تا آزادی این عزیزان، تلاش بی وقفه ما ادامه خواهد داشت.

اما پرسش سوم: موضوع جنگ غزه و کشتار مردم بیدفاع است. کودکان مقدمند در این باره چه می گوید؟

سیامک بهاری: این یک جنگ نفرت انگیز است. در هر ساعت دست کم دو نفر غیر نظامی در غزه کشته شده اند. یک چهارم کشته شدگان کودک اند. ما قویاً آن را محکوم می کنیم. این جنگی خونین بین دو جریان تروریستی جنبش اسلامی حماس و تروریسم دولتی اسرائیل است. هر دو طرف برای کوبیدن یک دیگر، مردم را نشانه می روند. حماس به راکت پرانی به شهرهای همجوار و هر جا دستش برسد ادامه می دهد. این موشکها شهرها را هدف می گیرند. ارتش وحشی اسرائیل هم با توانائی و امکانات رزمی به مراتب بیشتر از زمین و دریا و هوا محله های مسکونی، مدارس، مساجد و بیمارستانها را می کوبد.

طرفین یک دیگر را متهم می کند و مردم تاوانش را پس می دهند. اسرائیل با گنبد آهنین راکت پرانی حماس را خنثی می کند و حماس برای در امان ماندن از تیر رس آتش اسرائیل هر جا را که بتواند، سپر بلای خود می کند. مردم مستأصل و به جان آمده غزه به عنوان گروگان در جنگ جنبش اسلامی حماس و در محاصره ۸ ساله ارتش قلدر و اشغالگر اسرائیل گرفتار آمده اند.

به تأکید بگویم این جنگ هیچ ربطی به حل موضوع مسئله فلسطین ندارد. حماس اساساً هیچ راه حلی برای مسئله فلسطین ندارد. هر دو طرف برای محو یک دیگر می جنگند. این خشونت و درندگی وحشیانه همچنان ادامه خواهد داشت.

سازمان ملل هم مانند پاندول ساعت زنگ زده بی عمل و ناتوان نظاره گر است.

جمهوری اسلامی و کل جبهه جنبش اسلام سیاسی هر کدام به نحوی آتش بیاران این معرکه اند.

جریان فوق ارتجاعی حاکم در اسرائیل همان سیاستی را پیش می برد که جریان فوق ارتجاعی جنبش اسلامی. ما جنبش اسلامی حماس را نماینده مردم غزه نمی دانیم. حماس بر موج حق طلبانه مردم بیدفاع فلسطین سوار شده است. رهبران این جنبش در هر زمانی با مرتجع ترین دولتهای منطقه از سوریه و ترکیه تا عربستان و قطر و

جمهوری اسلامی بخشی از مانع حل مسئله فلسطین بوده اند. اسرائیل به این جنبش اسلامی برای معلق ماندن مسئله فلسطین نیازمند است.

نشریه کودکان مقدمند، شماره ۱۱۶، مرداد ماه [اسد] ۱۳۹۳

یادداشت:

گذشته از آن که نظرات و مواضع پورتال با نویسنده مطلب به ارتباط مسئله فلسطین تطابق ندارد و بارها اعلام داشته است که نه تنها هیچ کسی حق ندارد تا مقاومت به حق خلق فلسطین علیه اشغالگران صهیونیستی را با مهر و برچسب تعلق به حماس الوده ساخته و به صورت تلویحی و از درب عقب، نوعی «حقانیت نا مرئی» برای سیاست های صهیونیستی اشغالگران قایل شود، بلکه نفس مقابله علیه تجاوز صرف نظر از آن که چه کسانی و کدام نیروهائی به این مقاومت دست می زنند، حقانیت خود را از همان آغاز و در بطن دفاع علیه تجاوز با خود حمل می نماید و این که کدام نیروئی علیه تجاوز می رزد و برای چه مقصودی، به هیچ وجه باعث نمی گردد تا نفس تجاوز و حقانیت مبارزه علیه آن مورد سوال قرار بگیرد؛ نظرات پورتال با نویسنده مقاله به ارتباط سیستم آموزشی مبتنی بر دادن پول از جانب خانواده های شاگردان، در تمام مراحل آموزشی از همان کودکان و شیرخوارگاه ها گرفته تا تحصیلات عالی در سطح پوهنتونها، مؤسسات عالی و دانشگاهی، از همسوئی کاملی برخوردار می باشد زیرا که عملیست غیر انسانی و تبعیض آمیز.

عملی که در تمام جهان درجه گسترش آن کاملاً متناسب است با درجه نفوذ و حاکمیت به اصطلاح « ارزش های امریکائی» در آن جامعه. عملی که نتیجه نهائی آن جاویدانی ساختن اختلافات و امتیازات طبقاتی در جامعه مورد نظر بوده، امکان دستیابی به زندگی بهتر را برای فرزندان ستمکشان هرچه بیشتر محدود می سازد. عملی که از دید حقوق بین المللی، فاقد مشروعیت بوده چندین ماده قرارداد ژنیو، آن را نفی می نماید.

برای ما افغانها که با تأسف در فراگیری زشتی های دیگران از چنان استعدادی برخوردار هستیم که حتا نفس زشتی هم در مقابل رشد منفی ما کم می آورد، این نکته به خاطری حایز اهمیت است که در دهه اخیر این سیستم غارتگرانه و ضد کرامت بشری به بهانه ها و اهداف مختلف آهسته آهسته در درون جامعه جای پای باز نموده، اگر قضایا بر همین روال فعلی ادامه بیابند، دیری نخواهد گذشت که تمام سیستم درسی افغانستان در منجلاب آن فرو خواهد رفت.

بناءً بر ماست تا در مقابل پدیده پیشبرد آموزش در مقابل تأدیة پول به شدت حساس گردیده، به هیچ کسی چنین اجازه ای ندهیم تا از فرزندان ما به خاطر فراگیری دروس پول طلب نمایند.

اداره پورتال AA-AA